

حل آن هم - همسر همسان گزینی- است. اتفاقی که در کشورهای دیگر می افتند. اگر پسرهای دهه شصتی با دختران دهه شصتی ازدواج کنند، اصلا هیچ مسأله‌ای پیش نمی آید ولی وقتی جوانگرایی برای آقایان هست با مثلاً دخترانی ۵ سال جوانتر از خودشان ازدواج می کنند. بالطبع پسران دهه ۶۰ با دختران دهه ۷۰ ازدواج می کنند و پسر دهه ۵۰ با دختران دهه ۶۰ که تعدادشان خیلی بالاست ازدواج می کنند. این اختلاف سن زوجین است که باعث این مسأله و پدیده شده است.

بنابراین ازدواجش را به تعویق می اندازد ولی اگر قرار است که اصلاً ازدواج نکند، باید یک تعدادی مرد هم به همین دلیل اصلاً ازدواج نکنند. من بارها در کلاس هایم هم گفته ام که خانم هایی که وسواس پیدا می کنند و جواب منفی به یک پسر می دهند، آن پسر بالاخره بعد از دو سه تا خواستگاری با یک دختر ازدواج می کند. کسانی مجرد قطعی باقی می مانند که وسواس پیدا کرده اند.

■ **ما با پدیده تجرد قطعی در روستاها هم روبه روهستیم. تفاوت آماری معناداری با**



باید یک مسأله را در نظر داشته باشیم.

تجرد قطعی یک پدیده گذرا است.

این پدیده مربوط به دختران دهه ۵۰ و ۶۰ است. پدیده تجرد قطعی قبلاً به دلیل عواملی چون معلولیت، بی سرپرستی، فقر مطلق و... وجود داشت اما الآن درصد آن بیشتر شده

۶۶

پیشنهاد می کنم خانم هایی که آمارهای یک میلیونی تجرد قطعی را می دهند، بایند روی زنان مطلقه هم کار کنند. چون اینها یک ازدواج ناموفق داشتند و الآن هم شانس ازدواجشان به حداقل رسیده است. ■ **در آمارهای ما زنان مطلقه جزو تجرد قطعی حساب نمی شوند؟**

نه. اصلا حساب نمی شوند.

■ **طبیعتاً ازدواج سفید هم نمی تواند آمار تجرد قطعی را تغییر دهد؟**

نه. چون این ازدواج ها ثبت نمی شود

بنابراین در آمارها هم نمی آید.

■ **خیلی خالی ازدواج های ناموفق را یکی از عوامل تجرد قطعی در خانواده ها برای بچه های کوچکتر می داند شما با این مساله موافق هستید؟**

نه. چون این مساله در تاخیر ازدواج می تواند مؤثر باشد. دلواپسی که افراد نسبت به آینده زندگی شان دارند باعث می شود تا وسواس آنها زیادتر شود ولی اگر این تجرد قطعی برای هر دو جنس به یک میزان بود، می توانستیم این مسأله را تأیید کنیم ولی چون تنها برای زنان است نمی توان آن را باعث تجرد قطعی دانست.

چون مردها بالاخره با یک دختری ازدواج می کنند. بنابراین مجرد ماندن دختران ما بیشتر ساختاری است!

■ **ساختاری یعنی به چه شکل؟**

به همان دلیلی که تعداد آنها مساوی نیست. این خانمی که به دلیل طلاق خواهرش، برادرش یا همسایه اش وسواس پیدا می کند، دلواپس است که مبادا ازدواج کند و به طلاق منجر شود.

بله، آمار تجرد قطعی در روستاها بسیار بالاست. ما می دانیم که ازدواج یک تقابل دو به دو است. باید یک دختر با یک پسر ازدواج کند. الآن آماری که درباره تجرد قطعی اعلام می شود آمار کل کشور است ولی وقتی ما بیایم این تعداد را به نسبت شهرها و روستا تفکیک کنیم، می بینیم تعداد پسرهای ما در شهرها بیشتر از روستاها است. چرا؟ چون یک تعدادی از پسرهای روستایی به شهرها مهاجرت می کنند. حالا اگر خیلی خوشبین باشیم، ۵۰ درصد از آنها به روستا برنمی گردند و در شهر ازدواج می کنند. در نتیجه این رقم تجرد قطعی که مثلاً برای کل کشور ۴ درصد اعلام می شود اگر به نسبت شهر و روستاها در نظر بگیریم، ممکن است در شهرها تجرد قطعی ۳ درصد باشد اما در روستاها ۵ درصد شود.

■ **پس تجرد قطعی در روستا بیشتر از شهرها است؟**

بله. چون به دلیل مهاجرت پسران، تعداد دختران روستایی بیشتر از پسران است. دخترانی که در روستا مانده اند هم اگر بخواهند ازدواج کنند نمی توانند. چون تعداد پسرها کمتر از دختران است. بنابراین در روستا نیز با مشکل ساختاری رو به روهستیم.

■ **آیا تجرد قطعی در روستاها پدیده چند همسری را افزایش می دهد؟**

بله ممکن است چند همسری اتفاق بیفتد یا دختر مجرد با مردی که همسرش فوت شده ازدواج کند.

■ **گاهی مادر بحث تجرد قطعی با ترکیب کمتر شنیده شده «سندرم سیندر لای» روبه روهستیم. موافق هستید؟**

من سیندر لایی را بیشتر در باروری دیده ام. یعنی زنان سعی می کنند که بچه کمتر بیاورند تا هیکل هایشان بهم نخورد. مدیریت بدن را در نظر دارند ولی اینکه در تجرد قطعی تأثیر داشته باشد، نه!

■ **موافقان این نظریه، نگاه دیگری دارند. شما قضا به سیندر لارا شنیده اید. دختر فقیری که با پسر پادشاه ازدواج می کند. کسانی هم که این «سندرم سیندر لای» را برای تجرد قطعی به کار می برند، معتقدند بعضی از دختران در انتظار شاهزاده ای با اسب سفید به تجرد قطعی رسیده اند. چقدر این ازدواج ایده آل را در ایجاد پدیده اجتماعی «تجرد قطعی» مؤثر می دانید؟**

این مسأله را من در سؤال های قبلی اشاره کردم. اینها دخترانی هستند که وسواس دارند و در اصل به دنبال یک شاهزاده هستند تا آنها را به برج عاج ببرد. ولی می گویم این پدیده در تاخیر ازدواج اثر دارد نه در تجرد قطعی! چون همین دخترانی که اینقدر وسواس دارند، وقتی به بالای ۳۵ سال می رسند، یک دلهره پیدا می کنند که دیگر حالا به تجرد قطعی دارم می رسم. چون سبک زندگی در ایران طوری است که مرد از زن خواستگاری می کند و دختران باید منتظر بمانند تا کسی پیدا شود. در آن صورت می بینند تعداد خواستگارا کم شده است، چون مردها همه رفته اند و با یک کسی ازدواج کرده اند. در نتیجه ناگزیز است، تفکرات ایده آلیستی اش را کنار بگذارد و واقع بینانه ازدواج کند یا اصلاً ازدواج نکند.

■ **برخی دوران پیری پرچالشی را برای کسانی که دچار تجرد قطعی می شوند، پیش بینی می کنند. موافق هستید؟**

معمولاً چه درباره خانم ها و چه درباره آقایان، زندگی های مجردی چالش برانگیز است. تحقیقات نشان داده که مرگ و میر در میان سالمندان مجرد، بیش از سالمندان متأهل است. چون متأهلین وابستگی های خانوادگی بیشتری دارند. هر چقدر وابستگی به اطرافیان بیشتر باشد، افسردگی کمتر است. اینها هم حمایت مالی می شوند و هم حمایت روحی و روانی. ولی وقتی طرف مجرد است بالطبع همسر و فرزند ندارد. والدینش هم در سالمندی از بین رفته اند. اگر خواهر و برادر هم داشته باشد، سرشان به زندگی و همسر خودشان گرم است. بنابراین این تنهایی است که آنها را افسرده می کند و رنج می دهد.

■ **الان جامعه ایرانی از شکل «خانواده گسترده» به «خانواده هسته ای» رسیده است. خیلی از فرزندان نوه ها، والدینشان را به سرای سالمندان می سپارند. یعنی مجردین قطعی و متأهلین ما در این نقطه به هم می رسند. آیا در اینجا سالمندی آنها با هم شباهت خواهد داشت یا مجردین قطعی دوران سالمندی متفاوت تر و سخت تری خواهند داشت؟**

در تجرد قطعی دو مسأله وجود دارد. مثلاً برای دختران روستایی علاوه بر اینکه در زمان سالمندی تنهایی خواهند داشت، بحث اقتصادی هم وجود دارد. چون همه شغل نیستند یا همه پدر کارمند حقوق ندارند که بعدها حقوقش را به دخترش پرداخت کنند. بنابراین، این افراد وقتی درآمدی نداشته باشند، زیر

خط فقر می روند. البته بحث اقتصادی فقط به مجردین قطعی روستاها محدود نمی شود و شهری ها را هم درگیر می کند. جنبه دیگر آن هم روحی و روانی است که علقه ها و وابستگی ها به حداقل می رسد. طرف باید تنها زندگی کند. حالا امکان دارد افرادی که فرزند دارند، فرزند آنها مسئولیت شان را نپذیرد اما این فرد ۴۰-۳۰ سال با بچه اش زندگی کرده و ذهنش درگیر با بچه و نوه هایش است. حالا ممکن است فرزندان یا نوه ها به آنها سر نزنند اما وابستگی ها وجود دارد. بارها دیده ام

را از طریق دوستی مرتفع می کنند. آنجا وابستگی خانوادگی خیلی کم است، چون از قدیم تعداد فرزندان به حداقل رسیده و جابه جایی ها زیاد شده است. فرزندان از ۱۸ سالگی از خانواده بیرون می آیند و برای کار به شهرهای مختلف می روند. خیلی به ندرت به والدینشان سر می زنند. آنجا سبک زندگی تغییر کرده. سبک زندگی ما هم شاید بخواد به همان مسیر برود.

■ **آیا ممکن است که «ازدواج سفید» تغییر محسوسی در تجرد قطعی بوجود آورد**

باشد؟ چون این ازدواج ها ثبت نمی شود،

خانم های مسنی را که عکس نوه هایشان را در موبایل به همدیگر نشان می دهند. این در اصل، آن علقه روانی است که در آنها وجود دارد اما کسی که فرزندی ندارد، خود را با عکس خواهرزاده و برادرزاده اش مشغول می کند. این نیازی است که بشر دارد و می خواهد به اطرافیان وابستگی داشته باشد. بنابراین وقتی افراد، چه آقا چه خانم ازدواج نمی کنند، تنهایی در زمان سالمندی، خیلی مسأله ساز می شود.

■ **آیا کشورهای دیگر چنین پدیده ای را تجربه کرده اند؟ آنها با دوران سالمندی چطور برخورد کرده اند؟**

ببینید اصلاً آنجا بحث «تجرد قطعی» نیست. چون آنجا «دوستی» بسیار مطرح است. حتی یک خانمی که همسرش فوت می کند، بلافاصله با کسی دوست می شود، با هم سفر می روند و ارتباط دارند. اصلاً به هم وابستگی ندارند که بعدها چارچوب ازدواج باشد، فرق دارد. در غرب حتی سالمندان هم نیاز هایشان

بنابراین در آمار هم نمی آید. آیا می تواند سالمندی متفاوتی را بوجود بیاورد؟ نه، اصلاً نمی تواند. البته من ترجیح می دهم کلمه «همباشی» را به کار برم تا «ازدواج سفید» چون این اصلاً ازدواج نیست. یک همباشی برای سنین جوانی است. اگر این ارتباط را به عنوان دستاورد غرب در نظر بگیریم، باید متوجه باشیم که معمولاً روال جوان های خارجی این گونه است، وقتی با هم دوست می شوند، چند سالی زیر یک سقف با هم زندگی می کنند تا همدیگر را بیشتر بشناسند. اگر به هم علاقه مند شدند یا اخلاق آنها به هم خورد با هم ازدواج می کنند، بچه دار می شوند و به زندگی ادامه می دهند. اگر توافق نداشته باشند از هم جدا می شوند. یعنی دیگر به سن سالمندی نمی رسند که بخواهند این همباشی را ۲۰-۳۰ سال ادامه بدهند. البته ممکن است در سالمندی اگر کسی از همسرش جدا شده یا همسرش فوت شده باشد مجدداً با یکی دوست شود. اینجا

بحث «دوستی» است و کلمه «همباشی» را به کار نمی برند. ■ **طرح «قیح زدایی» از تجرد دختران که توسط برخی اعلام می شود، چیست؟**

من نمی دانم این طرح چیست!

■ **اصلاً با این موضوع و ترکیب «قیح زدایی از تجرد دختران» موافقت. مگر تجرد قیح دارد؟**

خب این نتیجه یک نگاه سنتی در گذشته است. این نگاه در ادبیات جامعه شناسی هم زیاد است که ارج و قرب زن ها به ازدواج بود. تا زمانی که ازدواج نکرده

الآن هم دارد اتفاق می افتد. ما وقتی به آمار ثبت ازدواج مراجعه می کنیم، جدول اختلاف سن زوجین را - که از منهای ۲۰ سال شروع می شود و تا به اضافه ۳۰ سال ادامه می باید - به ما می دهند. الآن عددی که حول و حوش صفر است روز به روز دارد بیشتر می شود. یعنی تعداد افرادی که سن آنها به هم نزدیک است دارد زیاد می شود. خود به خود در حال اتفاق افتادن است.

■ **پس بر اساس برنامه ریزی نبوده بلکه جامعه خودش به این سمت رفته است؟**

این نتیجه خروج دختران از خانه،



عکس: علی محمدی / ایران

تحصیلات در دانشگاه و... است. دختران در گذشته تحصیل نمی کردند و در چار دیواری می ماندند. باید مادر پسر می گشت و دختری را برای ازدواج پسرش پیدا می کرد. اصلاً کسی دخترانی را که سن شان بالا بود خارج از خانه نمی دید، در نتیجه شانس ازدواج شان خیلی پایین بود. اما امروز دختران به دلیل فعالیت در اجتماع خیلی راحت تر می توانند ازدواج کنند.

■ **راهکار مشخص اجرای این «همسان همسری سنی» چیست؟**

فرهنگ سازی است. باید روی ذهنیت ها کار کنیم. قدیم ها می گفتند، حتماً باید مرد بزرگتر از زن باشد یا می گفتند که زن هر چقدر جوانتر باشد، باورنی اش بیشتر است. الآن این موضوع از بین رفته. برای اینکه باروری پایین آمده و خانواده ها دوبچه می خواهند. بنابراین زن اگر در ۳۰ سالگی ازدواج کند قطعاً آن دو بچه را هم خواهد آورد. بنابراین امروز بیش از هر چیزی باید روی بحث های فرهنگی کار کرد.

بوند، زیاد ارج و قرب نداشتند. بعد هم که وارد خانواده همسر می شدند تا زمانی که بچه نداشتند، زیاد به آنها توهین می شد. مادر شوهر با عرووش بدر رفتاری می کرد. این مسائل در گذشته ها وجود داشته است ولی الآن دیگر خانم های ما تحصیل می کنند، شغل دارند. دیگر بحث ازدواج به معنای اینکه بخواهد به زن هویت بدهد نیست. من نگاه خودم این است که ازدواج عنوانی است برای شریک زندگی داشتن، دوست داشتن، هم صحبت داشتن و فرزند داشتن نه به معنای بالا رفتن ارج و قرب خانم ها.

■ **حالا برای مدیریت تجرد قطعی باید چه کرد، آیا فقط به اعلام آمار بسنده می کنیم یا نه راهکاری هم وجود دارد؟**

اگر از جنبه آسیب هایی مثل افزایش طلاق در خانواده ها به آن نگاه کنیم، من خودم پیشنهاد «همسان همسری سنی» را داده ام تا یک مقدار تهدیدی را که برای زنان ما بوجود آمده کم کنیم؛ راهکاری که

وی در مورد پیامدهای تجرد قطعی هم می افزاید: افزایش تجرد قطعی دختران باعث کاهش میزان باروری می شود. جامعه به سمت سالمندی می شود.

این پدیده حتی روی روابط اجتماعی و مناسبات اجتماعی هم تأثیر منفی خواهد گذاشت. به این معنی که ساختار و روابط خانوادگی دچار تغییر و تحول می شود و جوانان ما به سمت انزوا و تنها زندگی کردن می روند.

■ **سختگیری های خانوادگی «کوروش محمدی» رئیس انجمن**

آسیب شناسی ایران هم به محتاط تر شدن دختران برای ازدواج اشاره می کند و به «ایران» می گوید: تحصیلات و اشتغال باعث شده تا دختران دیگر مثل سابق تن به هر ازدواجی ندهند. البته همه موضوع به این خاطر نیست. اشتغال و تحصیل می تواند تکیه گاهی برای دختران ما باشد که اگر ازدواج نکردند، خود را با آنها مشغول کنند. وی ادامه می دهد: به همین علت شاید اشتغال بخشی از دختران مجرد قطعی به خاطر پر کردن نیازهای فکری،

ازدواج ندهد چرا که در حال حاضر تعداد زیادی از ازدواج های ما در دانشگاه و محیط کار انجام می شود. او با اشاره به اینکه آمار ازدواج های ثبت شده در سال گذشته نسبت به سال ۱۱،۹۵، ۱۳ درصد کاهش داشته است، می گوید: بخشی از علت تأخیر در ازدواج دختران به خاطر تغییر سبک زندگی مردم است. در گذشته عرف بود که پسران قبل از سربازی و دختران قبل از سن ۲۰ سالگی ازدواج کنند اما در حال حاضر دیگر این موضوعات در خانواده ها مطرح نیست. رئیس انجمن مددکاری به تصورات و نگرانی های جوانان در مورد ازدواج هم اشاره می کند و می گوید: بخشی دیگر از دلایل ازدواج نکردن جوانان، به خاطر آن است که فکر می کنند با ازدواج، آزادی عمل از آنها گرفته می شود. وی باید مسئولیت پذیرتر عمل کنند. علت مهم تری که باعث کاهش رغبت جوانان برای ازدواج شده هم مسائل اقتصادی است. بر همین اساس، اگر وضعیت اقتصادی به همین منوال ادامه پیدا کند، به طور قطعی آمار ازدواج ما از این تعداد هم کمتر خواهد شد.

و اصحاب رسانه است که اطلاعات مناسب و واقعی را در اختیار جوانان ما قرار دهند تا آنها خود را اسیر و آلوده خوشی های زودگذر نکنند. ■ **ترویج خانه های مجردی با کاهش ازدواج**

«سید حسن موسوی چلک»، رئیس انجمن مددکاری ایران نیز با اینکه استقلال مالی دختران را یکی از دلایل تجردهای قطعی می داند اما معتقد است همه دلایل تجردها به این موضوع برنمی گردد و به «ایران» می گوید: زمانی که شرایط تحصیل برای دختران فراهم می شود معیار آنها برای انتخاب همسر و ازدواج هم تغییر می کند. در این زمان طبیعی است که دختران ما به هر ازدواجی رضایت ندهند.

وی می افزاید: زمانی که افراد به بلوغ عقلی و فکری می رسند در انتخاب های خود برای ازدواج دقت بیشتری می کنند. در اینجا اشتغال و تحصیل به پخته تر شدن افراد و بلوغ آنها کمک زیادی می کند.

البته همیشه به این صورت نیست که فرد پس از تحصیل و اشتغال تن به

دستیار ویژه رئیس جمهوری در حقوق شهروندی و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری داشتیم

تا ساز و کاری در نظر گرفته شود که بتوانیم حمایت های هر چه بیشتر را از این شرف از جامعه انجام دهیم.

ذوالقدر تأکید می کند: البته افزایش میزان تحصیلات و افزایش مشارکت اجتماعی زنان در جامعه و دسترسی به فرصت های شغلی باعث استقلال مالی نسبی آنها می شود و به این واسطه حاضر نخواهد بود خواسته ها و انتظارات خود را نادیده بگیرند. از سویی متأسفانه با افزایش آمار طلاق و افزایش آسیب پذیری نهاد خانواده در سطح کشور، ورود به زندگی مشترک را نه تنها مأمّن امن و آرامش خود نمی دانند بلکه میدانی برای نبرد و چالش و سهم خواهی تصور می کنند. این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس با اشاره به اینکه دختران ما با توجه به افزایش سطح تحصیلات و دسترسی به اطلاعات باید با هوشیاری، تن به ازدواج های سفید ندهند، ادامه می دهد: این هوشیاری و آگاه سازی وظیفه دستگاه ها و نهادهای آموزشی

بلکه این دختران بیشتر در معرض این آسیب ها قرار دارند.

■ **برخی از دختران به خاطر زیاده خواهی مردان حاضر به ازدواج نیستند**

«فاطمه ذوالقدر»، عضو فراکسیون فرهنگی مجلس هم تأخیر در ازدواج را متأثر از متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می داند و به «ایران» می گوید: برخی از دختران به دلیل مشکلات معیشتی و فرهنگ غالب محیط وادار به ازدواج های زود هنگام می شوند و در سوی دیگر برخی به دلایل مختلف از جمله عدم اعتماد

به جامعه مردان، زیاده خواهی و زیاده طلبی، نبود هم کفو و شکل گیری پدیده ای تحت عنوان ازدواج سفید حاضر به ازدواج نیستند.

این عضو فراکسیون فرهنگی مجلس با اشاره به اینکه افزایش آمار تجرد قطعی، گاهی به این دلیل است که امکان و شرایط لازم برای ازدواج دختران مهیا نشده است، می گوید: اغلب مسائلی که باعث به وجود آمدن این تأخیر می شود اقتصادی است. بر همین اساس، نشست ها و جلساتی با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی،

از مناطق باعث شده تا با روستاهایی مواجه باشیم که اغلب آنها زن هستند. همین عدم تعادل در توسعه و عدم توزان جمعیت پسران و دختران است که باعث بالا رفتن آمار مجردان قطعی می شود.

سیااوشی، جامعه ایران را اگر چه در حال گذار بودن جامعه به سمت مدرنیته تأیید می کند اما معتقد است خیلی از خانواده ها حضور دختران مجرد بالای ۳۰ سال را خوشایند نمی دانند که این مسأله آسیب های روحی متعددی را به آنها وارد می کند.

این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس تأکید می کند: برهم خوردن تناسب های جمعیتی و افزایش دختران مجرد باعث افزایش آسیب های اجتماعی می شود. در حال حاضر تعداد زیادی از دختران ما برای تحصیل و اشتغال به شهرها مهاجرت کردند و نتوانستند در این مدت فردی را برای ازدواج پیدا کنند. ممکن است گاه فردی را هم پیدا کرده باشند اما این پیوند در نهایت منجر به طلاق شده است. البته این موضوع به معنی آن نیست که همه آنها دچار آسیب های اجتماعی هستند